info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۵۶۷
یکشنبه / ۳۱ تیر / ۱۴۰۳
۱۵ / محرم / ۱۴۴۶
21 / July / 2024

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۲۴۲۴-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

ای دل بیا که ما به پناه خدا رویم
ز آنچ آستین کوته و دستِ دراز کرد
صنعت مَکُن که هر که محبت نه راست باخت
عشقش به روی دل درِ معنی فراز کرد

خوانش

ای گلفروش، گل چه فروشی برای سیم
وز گل عزیزتر، چه ستانی به سیم گل؟

کسایی

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۲۴	۰۵:۰۶	۱۲:۱۳	۱۹:۱۸	۱۹:۳۸

برگ

۳ چیز در زندگی ثابت است، تغییر، انتخاب و اصول...

استفان کوی

دیدگاه

یک راهکار و دو دیدگاه

اقتصاد مردمی و فعال شدن بخش خصوصی زمانی می‌تواند نتیجه بخش باشد که با الگوی جهادی و انقلابی همراه باشد که در آن هر ایرانی نقشی حقیقی در پیشرفت کشور خواهد داشت و نه بر اساس چارچوب‌های آکادمیک لیبرال سرمایه‌داری که با نام مردمی سازی و خصوصی سازی اقتصاد، نابودی بخش کارگری و ثروت بیشتر سرمایه‌داران را پیگیری می‌کنند در حالی که در ظاهر شعارهای زیبایی همچون دست کشیدن دولت از جیب مردم، واگذاری اقتصاد به بازار و تصدی‌گری نکردن دولت و... را سر می‌دهد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از سیاست روز، یکی از مباحث مطرح در زندگی فردی و جمعی مسئله اقتصاد و معیشت است. بسیاری از اندیشه‌ورزان و خردورزان در اهمیت مسئله اقتصاد بر این عقیده‌اند که تحولات سیاسی، اجتماعی، امنیتی و فرهنگی نیز در بستر شاخصه‌ها و مولفه‌های اقتصادی شکل می‌گیرد. در این میان یک اصل مورد تاکید می‌باشد و آن نقش آفرینی مردم و بخش خصوصی در کنار دولت در اقتصاد کشور است. هر چند که این نقش آفرینی از سوی همگان مورد تاکید است اما در باب نحوه و مدل اجرای آن دو رویکرد و دیدگاه متفاوت مطرح می‌باشد.

دیدگاه نخست در باب مشارکت مردم در اقتصاد بر پایه مشارکت همگانی یا همان روحیه جهادی و بسیج ملی استوار است، بر اساس این دیدگاه هر ایرانی می‌تواند نقشی اساسی در همه امور کشور از جمله در حوزه اقتصاد داشته باشد چنانکه تجربه نیز نشان داده است که هر جا مردم پای کار و در میدان بوده‌اند تحولاتی بزرگ روی داده است. تجربه ۸ سال دفاع مقدس، تجربه ایساداگی ملی در برابر تحریم‌ها و تهدیدات خارجی، همگرایی ملی در مقابله با کرونا، حضور مردم در حماسه‌های مقابله با فتنه‌ها و دشمنی‌ها و رقم زدن حماسه‌هایی همچون ۹ دی، بدرقه میلیونی سردار سپهبد شهید قاسم سلیمانی و رئیس جمهور شهید و همراهانش و... نمونه‌های بارزی از این حضور است. حضوری که با انجام و هدفگذاری در جهت رفع نیازهای اقتصادی و پیشرفت سراسری کشور در قالب مردمی جهادی و البته با حضور مسئولان در میدان عمل و پیشگامتر از مردم می‌تواند دستاوردهای عظیمی در عرصه داخلی و خارجی بویژه با تکیه بر نیروی جوان و تحصیلکرده و انقلابی متعهد رقم زند.

همچنین در حوزه بخش خصوصی نیز این دیدگاه بر لزوم رفع موانع تولید و مشارکت این بخش در فعالیت‌های اقتصادی تاکید دارد. بر اساس دیدگاه انقلابی مردم نهاد، دولت‌ها موظفند تا با مناسب سازی قوانین و برداشتن اما و اگرها و موانع قانونی زمینه را برای رقابتی سالم و عادلانه میان تمام فعالان بخش خصوصی بدون هیچ رانت و تحصاری فراهم سازند تا اقتصادی مردم نهاد در فضای سالم و رقابتی شکل گیرد.

اما دیدگاه دوم در باب نقش مردم و بخش خصوصی در اقتصاد، بر گرفته از تفکر لیبرال سرمایه‌داری است که معتقد است که دولت‌ها باید تمامی تکالیف و وظایف خود را در قبال اقتصاد مردم کنار نهاده و از یک سو با آزاد سازی قیمت‌ها و حذف تمام یارانه‌ها، هزینه‌ها خدمات را با سود قابل توجه از مردم دریافت نمایند و ارائه خدمات عمومی و رفاهی از سوی دولت عملا معنایی ندارد. نمونه این تفکر را در بخش مسکن می‌توان مشاهده کرد که برخی وزرا با عنوان اینکه مسکن سازی یک امر پوپولیستی و سوسیالیستی است افتخار سالها وزارت خود را ساختن حتی یک واحد برای مردم عنوان کردند! حال آنکه بر اساس قانون ساخت مسکن بویژه برای اقشار ضعیف و مستضعفان بر عهده دولت است.

و از سوی دیگر بر اساس این تفکر دولت به عنوان فعال سازی بخش خصوصی باید هرگونه نظارت و قیمت گذاری را کنار نهاده و این بازار و سرمایه دار باشد که بر اساس دیدگاه و سود مورد نظرش قیمت گذاری را اجرا نماید. پیروان این تفکر بر مباحثی همچون آزاد سازی قیمت حامل‌های انرژی از برق و آب و گاز گرفته تا بنزین و سوخت، حذف ارزهای ترجیحی و رهاسازی قیمت ارز به دست بازار، قیمت گذاری محصولات کالایی همچون لوازم خانگی و خودرو، لبنیات و ارزاق عمومی، به دست تولید کنندد و حذف نظارت و قیمت گذاری دولتی و... تاکید دارند. به عبارتی دیگر نگاه این تفکر به مردمی سازی و فعال سازی بخش خصوصی در اقتصاد آن است که از یک سو مردم هزینه سنگین خدمات اقتصادی دولت را بپردازند و عملا هیچ یارانه و خدماتی بدون سود بالا به مردم ارائه نشود و از سوی دیگر این سرمایه‌دار باشد که قیمت بازارهای مختلف را تعیین نماید. تجربه بسیاری از کشورها نشان داده است که حاصل این تفکر افزایش فقر و مشکلات معیشتی برای اقشار متوسط و پایین جامعه و ثروت اندوزی بیشتر سرمایه‌داران بوده است.

بر این اساس اقتصاد مردمی و فعال شدن بخش خصوصی زمانی می‌تواند نتیجه بخش باشد که با الگوی جهادی و انقلابی همراه باشد که در آن هر ایرانی نقشی حقیقی در پیشرفت کشور خواهد داشت و نه بر اساس چارچوب‌های آکادمیک لیبرال سرمایه‌داری که با نام مردمی سازی و خصوصی سازی اقتصاد، نابودی بخش کارگری و ثروت بیشتر سرمایه‌داران را پیگیری می‌کند در حالی که در ظاهر شعارهای زیبایی همچون دست کشیدن دولت از جیب مردم، واگذاری اقتصاد به بازار و تصدی‌گری نکردن دولت و... را سر می‌دهد.

قاسم غفوری

گزارش روز

پاسخ به یک پرسش قدیمی؛ چرا برای سیدالشهدا(ع) عزاداری می‌کنیم

استاد دانشگاه تهران ضمن اشاره به اینکه هدف امام حسین(ع) حفظ اسلام بود تصریح کرد: عزاداری در کنار اینکه علامت ناراحتی ما است یک معنای بالاتری هم دارد و آن اینکه ما پیام امام حسین(ع) را دریافت کردیم و در جبهه حق ایستادیم.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایکنا، عزاداری امام حسین(ع) آثار بسیاری در حوزه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و معنوی به همراه دارد که تحقیقات متعددی پیرامون بررسی این آثار صورت گرفته است. شاید بدیهی‌ترین اثر عزاداری، فرصتی برای بازگشت به خویشتن و تأسی از آن حضرت برای رویارویی با خواسته‌های ناهمسو با سرشت انسانی و ایجاد پیوندی دوباره با انسان و زندگی فرامادی است. با این وجود، هنوز یکی از مهمترین پرسش‌هایی که در جامعه درباره عزاداری مطرح می‌شود این است که چرا باید مشکی بپوشیم، اشک بریزیم و به عزاداری و سوگواری بپردازیم. برای پاسخ به این سوال با حجت‌الاسلام والمسلمین رضایرنجکار، رئیس انجمن کلام اسلامی حوزه و استاد دانشگاه تهران گفت‌وگو کردیم که حاصل آن را در ادامه می‌خوانیم:

یک پرسش قدیمی که درباره عزاداری امام حسین(ع) مطرح می‌شود پرسش از فلسفه و چرایی عزاداری است. با وجود اینکه پاسخ‌های بسیاری به این پرسش داده شده است ولی باز هم مشاهده می‌شود که افراد بسیاری این سوال را می‌پرسند. پاسخ شما به این سوال چیست؟

عزاداری برای امام حسین(ع) و اساسا عزاداری برای هر شخصی می‌تواند علل مختلفی داشته باشد. مثلا کسی که پدرش یا مادرش از دنیا رفته است عزاداری می‌کند به خاطر اینکه ناراحت است، سیاه می‌پوشد برای اینکه اعلام کند من ناراحت هستم، این اولین درجه از عزاداری است؛ یعنی گریه می‌کنیم چون ناراحت هستیم، مشکی می‌پوشیم برای اینکه اعلام کنیم ناراحت هستیم. وقتی به بحث امام حسین(ع) می‌رسیم می‌بینیم ائمه معصومین(ع) روی عزاداری بر امام حسین(ع) تاکید زیادی کردند، یعنی برای عزاداری برای هیچ امامی اینقدر تاکید نشده است ولی راجع به امام حسین(ع) این تاکید را داریم و از اینجا معلوم می‌شود مسئله بالاتر از این حرف‌ها است. البته ما برای از دست دادن همه بزرگان به خصوص معصومین که دین را به ما رساندند و هدایت را مدیون آنها هستیم عزاداری می‌کنیم اما مسئله امام حسین(ع) یک مسئله خاص است.

مهمترین نقش ائمه در مسئله احیای دین بود، یعنی آنها دین را نجات دادند و اگر آنها نبودند به فرموده امیرالمومنین(ع) از اسلام فقط اسمش باقی می‌ماند و حقیقت دین به ما نمی‌رسید. آن امامی که با خون خودش، خون فرزندان خودش، خون بستگان و اقوام خودش و اسارت خاندان خودش به صورت یک فریاد بلند تمایز حق و باطل را روشن کرد، تمایز بین اسلام علوی و اسلام اموی را نشان داد و همه را نسبت به این مسئله آگاه ساخت که این اسلامی که بنی‌امیه ارائه کرده است اسلام واقعی نیست بلکه بازگشت به جاهلیت است و اسلام حقیقی آن چیزی است که اهل بیت(ع) می‌گویند؛ کسی که با فریاد بلند این پیام را به گوش عالم رساند امام حسین(ع) است.

بنابراین وقتی ما عزاداری می‌کنیم در کنار اینکه علامت ناراحتی ماست، یک معنای بالاتری هم دارد و آن اینکه ما پیام امام حسین(ع) را دریافت کردیم و در جبهه حق ایستادیم و این یعنی همان هدف امام حسین(ع) وقتی ما در این ایام مشکی می‌پوشیم یعنی ما در جبهه حق قرار داریم و تابع تقریری از اسلام هستیم که اهل بیت(ع) بیان کردند، نه تقریر روشنفکرانی که تحت تأثیر فرهنگ‌های بیگانه هستند و هر چه دلشان می‌خواهد می‌گویند. ما تابع اسلام اموی و عباسی نیستیم بلکه تابع اسلام علوی هستیم. بنابراین لباس مشکی نماد این است که ما در جبهه حق هستیم و عزاداری می‌کنیم برای اینکه بگوییم این بلا سر اسلام حق آمده و ما عزادار امام حسینیم(ع) و امام حسین(ع) را دوست داریم و اسلام امام حسین(ع) را می‌خواهیم نه اسلام آمریکایی را، نه اسلام سوسیالیستی را نه اسلام لیبرالیستی را.

بنابراین عزاداری و این سیاه پوشیدن این معنا را دارد و اعلام این مطلب است که ما در جبهه حق هستیم و حق را امام حسین(ع) می‌دانیم، نه یزید و تلهیمش. البته در کنارش ما ناراحت هستیم که امام حسین(ع) شهید شدند و خاندانش به اسارت رفتند ولی بالاتر از آن، اعلام انزجار از جبهه مقابل است و اینکه ما در این جبهه ایستادیم. اینکه امام خمینی(ره) می‌فرماید اسلام را محرم و صفر نگه داشته است معنایش همین است. همانطور که اسلام را خود امام حسین(ع) نگه داشت عزاداری برای ایشان هم حرکت امام حسین(ع) را استمرار داد یعنی وقتی عزاداری می‌کنیم حرکت امام حسین(ع) را با این عمل ما استمرار می‌دهیم.

حرکت امام حسین(ع) برای چه بود؟ برای حفظ اسلام بود، برای احیای اسلام بود و ما هم می‌گوییم ادامه‌دهنده راه امام حسینیم و در سمت جبهه حق ایستادیم و این جبهه را قبول داریم.

وقتی ما به تاریخ و فرهنگ خودمان نگاه می‌کنیم شاهدیم که همیشه عزاداری برای امام حسین(ع) وجود داشته و عموم ایرانیان از این مسئله استقبال می‌کردند و در برپایی مراسم عزاداری مشارکت داشتند ولی دوران کنونی بیان برخی اشکالات و شبهات بیشتر شده است و در فضای مجازی برخی به این مراسمات توهین می‌کنند. به نظر شما ریشه این مسئله چیست؟ آیا افراط در منابک در این مسئله اثر گذار بوده است؟

خیر، به نظر من یک صحنه این مسائل چیز دیگری است. البته من انکار نمی‌کنم ممکن است هر مطلب حقی پیرایه‌هایی داشته باشد ولی کسی که می‌خواهد این پیرایه‌ها اصلاح شود توهین نمی‌کند و اصل ماجرا را زیر سوال نمی‌برد بلکه به عنوان یک مصلح پیشنهاد می‌دهد. اینهایی که حمله و توهین می‌کنند مسلمانشان چیزی دیگری است.

برخی اشکال می‌گیرند که منابک زیاد شده است. سوال من این است آیا اگر منابک نبود اسلام به ما می‌رسید؟ اینها می‌گویند ما باید مطالعه کنیم، ببینیم حقیقت اسلام چیست ما می‌گوییم اگر این عزاداری نبود، اگر محرم و صفر نبود اصلا محتوای اسلام به ما نمی‌رسید. آخر مگر همه مردم باسواد هستند؟ مگر همه می‌روند مطالعه بکنند؟ اطلاعات دینی مردم از همین منبرها و مراسمات است. اگر درد اینها این است که باید معرفت مردم افزایش پیدا کند این معرفت در همین جلسات به دست می‌آید. بنابراین من تصور می‌کنم اگر اینها حرف حقی هم بزنند مصداق «کلمه الحق یراد به الباطل» است.

انتشاب اینها این است که مثل صوفیان نگاه می‌کنند و می‌گویند ما می‌خواهیم به حقیقت دین برسیم در حالی که شریعت ظاهر دین است و فایده ندارد. اینها توجه ندارند حقیقت در همین شریعت است. قرآن می‌فرماید: «فلم الصلوه لذکری». بعضی از اینها نماز را کنار می‌گذارند و می‌گویند ما به جای نماز، ذکر خدا می‌کنیم، قرآن می‌فرماید نماز را برای ذکر من بخوانید، یعنی از این شریعت است که حقیقت به دست می‌آید و اینها دو روی یک سکه است و به هم پیوند نزدیک دارد.

پس اینطور نیست شریعت ظاهر دین باشد و اگر شما ظاهر را کنار بگذارید حقیقت دین به دست بیاید. اگر اینطور بود خود پیامبر(ص) هم نماز نمی‌خواند. پس معرفت در همین نماز به دست می‌آید. معرفت دین در همین مناسک به دست می‌آید. اینها می‌خواهند به اسم دفاع از معرفت، شریعت و مناسک را بزنند چون اگر شریعت و مناسک را بزنند، حقیقت و معرفت را هم زدند. بنابراین کسانی که توهین می‌کنند سوء نیت دارند و حتی اگر گناهی حرفشان درست باشد ولی هدفشان درست نیست.

اگر بخواهید پیشنهادی بفرمایید تا مردم بتوانند استفاده بهتری از عزاداری‌ها داشته باشد و از پیام عاشورا بهره‌مند شوند چه می‌فرمایید؟

عزاداری دو بخش دارد: یک بخش سخنرانی روحانی است و بخش دوم مداحی و سینه‌زنی است. متاسفانه گاهی بخش اول تضعیف می‌شود در حالی که بخش دوم زمینه است و اصل بخش اول است. اصل این است که مردم یک ساعت بنشینند با پیام عاشورا آشنا شوند، یک ربع هم عزاداری کنند ولی الآن شاهدیم یک ربع سخنرانی است، یک ساعت عزاداری است.

هدف ما از عزاداری این است که به امام حسین(ع) نزدیک شویم و با ایشان آشنا شویم. نباید اینطور باشد اصلا سخنرانی در جلسه نباشد یا از افرادی دعوت کنند که ضعیف هستند و هیچ محتوایی ندارند. باید منبرها و محتواها جدی گرفته شود و اصل، آنها باشد و عزاداری در کنارش باشد. متاسفانه مردم هم اینطور هستند که عزاداری برایشان اصل است. امام حسین(ع) نیامد برایش سینه بزنیم بلکه خواست ما را نجات بدهد و اسلام را به ما برساند. این اسلام چطور به مردم می‌رسد؟ در همین سخنرانی‌ها و منبرها به مردم می‌رسد. سینه‌زنی کمکی است. اشتباه است که سخنرانی تمام می‌شود برخی مردم تازه می‌آیند. متاسفانه مداحی‌های ما هم غنی نیست. وقتی ما بچه بودیم مداحان یک دور حماسه امام حسین(ع) را برای مردم مرور می‌کردند. بنابراین خود اشعار باید اشعار حماسی و معرفتی باشد تا مردم در سینه‌زنی چیزی یاد بگیرند. بنابراین نباید جهت گیری اصلی را فراموش کنیم.

مکث

۳ نکته در مورد رودستِ اطلاعاتی حماس به اسرائیل

رژیم اشغالگر قدس به تازگی با بمباران منطقه المواصی در شهر خان یونس که از سوی خود این رژیم به واسطه اسکان غیرنظامیان به عنوان منطقه امن اعلام شده بود، مدعی شد که در پی ترور فرمانده شاخه نظامی حماس بوده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جهان نیوز، تقریبا اغلب ناظران و تحلیلگران که روند تحولات جنگ غزه را در ۹ ماه اخیر دنبال کرده‌اند، در مورد یک مساله اجماع نظر دارند و آن این است که رژیم اشغالگر قدس با بن‌بست‌ها جدی و سختی در قلب جنگ غزه رو به رو شده است. در حقیقت، صهیونیست‌ها پس از گذشت بیش از ۹ ماه از آغاز جنگ غزه، هنوز نتوانسته اند به هیچکدام از اهداف اعلامی خود نظیر نابودسازی حماس و گروه‌های مقاومت فلسطینی و یا آزادسازی اسرای خود دست یابند و جالب اینکه این رژیم و چهره جنایتکار آن به واسطه به شهادت رساندن بیش از ۳۸ هزار غیرنظامی فلسطینی و مجروح و مفقود شدن دهها هزار تن دیگر، بیش از پیش نزد افکار عمومی بین المللی آشکار شده و آن را منزوی کرده است.

در شرایط کنونی شاهد هستیم که در گزارش‌های مختلف نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد، به صراحت رژیم اشغالگر قدس و جنایات مختلف آن در نوار غزه محکوم شده و می شوند و در عین حال دیوان بین‌المللی دادگستری نیز با جدیت پیگیر پرونده ارتکاب به نسل کشی از سوی صهیونیست‌ها در نوار غزه است. با این حال، به تازگی پرده‌ای تازه از جنایات رژیم اشغالگر قدس و سرخوردگی آن در مواجهه با مقاومت فلسطین را شاهد بودیم. ماجرا از این قرار است که اخیرا شاهد بودیم که رژیم صهیونیستی اقدام به ایجاد حمله‌ای مرگبار به منطقه المواصی در شهر خان یونس کرد و موجب به شهادت رسیدن بیش از ۱۰۰ فلسطینی بیگناه و البته زخمی شدن بیش از ۳۰۰ تن دیگر شد. جنایتی که در منطقه امن اعلام شده از سوی خود صهیونیست‌ها به واسطه حضور غیرنظامیان فلسطینی رخ داد و هدف اصلی اعلامی از انجام آن نیز ترور محمد ضیف فرمانده شاخه نظامی حماس و همچنین رفع سلامه فرمانده تیپ خان یونس اعلام شده است.

صهیونیست‌ها تنها اندکی پس از این جنایت خود مدعی ترور محمد ضیف شدند با این حال، شادی آن‌ها دیری نپایید و دروغ بودن ادعاهایشان اثبات شد و جنبش حماس نیز قاطعانه ادعاهای رژیم اشغالگر قدس مبنی بر ترور محمد ضیف را رد کرد. کما اینکه خود نتانیاهو نیز اعلام کرد که از ترور محمد ضیف مطمئن نیست. با این همه، آنچه به تازگی در قالب معادله جنایت صهیونیست‌ها در منطقه المواصی خان یونس شاهد بودیم، حامل ۳ نکته مهم بوده است.

یک: شکست بزرگ اطلاعاتی رژیم صهیونیستی از مقاومت فلسطین

رژیم اشغالگر قدس سال هشت که مدعی است یک قدرت اطلاعاتی مهم و بزرگ نه فقط در غرب آسیا بلکه در سطح بین المللی است و می تواند دستورکارهای مطلوب خود را به بهترین و راحت ترین وجه ممکن محقق سازد. با این حال، در بحبوحه جنگ غزه و در قلب رویدادی نظیر ناکامی این رژیم در ترور محمد ضیف که به تازگی رخ داده شاهد بودیم که پوشالی بودن چندهزارباره ادعاها تا حد زیادی به اثبات رسیده است.

در این چهارچوب، تشکیلات اشغالگری مقاومت فلسطین به قدری رشد کرده و پیشرفته شده که می بینیم با گذشت بیش از ۹ ماه از آغاز جنگ غزه، هنوز فرماندهان و رهبران ارشد جنبش حماس در نوار غزه، در سلامت و امنیت هستند و میدان‌های جنگ با ارتش اسرائیل را رهبری می کنند. این ناکامی اطلاعاتی بزرگ بار دیگر یک جلوه عینی خود را در شکست صهیونیست‌ها در ترور محمد ضیف در خان یونس به نمایش گذاشت و یک بی آبرویی بزرگ را هم برای سیاستمداران و هم رسانه‌های اسرائیلی رقم زد.

دو: طرح سیلی از ابراز محکومیت‌های بین المللی علیه رژیم اسرائیل

تنها اندکی پس از جنایت رژیم اشغالگر قدس در منطقه المواصی خان یونس و کشتار شمار قابل توجهی از مردم غیرنظامی در منطقه‌ای که خود رژیم صهیونیستی آن را منطقه امن اعلام کرده بود، شمار قابل توجهی از دولتمردان و رهبران خارجی نظیر لولا لینالیو دلیلوا رئیس جمهور برزیل به صراحت اقدام به محکوم کردن این جنایت کردند.

معادله‌ای که از تشدید فشارهای بین المللی علیه رژیم اشغالگر قدس و اثبات و تمایش ماهیت ضدانسانی این رژیم در محیط بین المللی حکایت دارد در عین حال، وقوع جنایاتی از این دست، در نوع خود اسناد و شواهد روشنی را نیز در اختیار نهادهای بین المللی نظیر دیوان لاهه قرار می دهد تا با استناد به آن‌ها حکم بازداشت بین المللی مقام‌های ارشد سیاسی و نظامی رژیم اشغالگر قدس را به عنوان جنایتکاران جنگی صادر کنند.

سه: تلاش‌های مذبوحانه نتانیاهو برای دستاوردسازی

یکی از نکات و مسائلی که بسیاری از تحلیلگران در مدت اخیر به آن اشاره داشته اند این بوده که بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم اشغالگر قدس و متحدان افراطی وی در قدرت، سعی دارند با دست زدن به جنایت‌هایی نظیر آنچه اخیرا در منطقه المواصی خان یونس شاهد بودیم، پس از ماه‌ها ناکامی در مواجهه با ملت و مقاومت فلسطین، برای خودشان دستاورد سازی داشته باشند و از این رهگذر، مدعی پیروزی در جبهه‌های جنگ غزه باشند.

این در حالی است که جوسازی‌های تبلیغاتی اخیر آن‌ها در مورد ترور محمد ضیف فرمانده شاخه نظامی حماس خیلی زود این هدفگذاری آن‌ها را با شکست رو به رو کرد و به یک شکست دیگر برای آن‌ها در مواجهه با ملت فلسطین تبدیل شد. شکستی که بار دیگر یک پیام دارد و آن این است که همچنان کابوس مقاومت و چهره‌های کلیدی آن دست از سرِ صهیونیست‌ها برنخواهد داشت.

اشاره

«سی ان ان» یا چوپان دروغگو؟!

به تازگی شاهد طرح یک تئوری تازه در مورد ترور نافرجام ترامپ از طریق شبکه سی ان ان بودیم اینم این شبکه مطرح آمریکایی مدعی شده که ایران در پشت ترور نافرجام ترامپ قرار داشته است!

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، تنها اندکی پس از ترور نافرجام ترامپ در جریان یک گردهمایی انتخاباتی در ایالت پنسیلوانیای آمریکا شاهد طرح سیلی از تحلیل و تفسیرها و تئوریها در مورد این رویداد و ابعاد مختلف آن بودیم. در این چهارچوب، افراد و جریان های مختلفی در عرصه سیاست داخلی آمریکا به عنوان بازیگرانی مورد اشاره قرار گرفتند که از ترور و مرگ ترامپ نفع می برند، به عنوان مثال به دموکرات ها و یا آنچه ترامپ آن را تشکیلات در سایه در آمریکا می خواند اشاره شده که ترامپ را به مثابه تهدید جدی برای خود در نظر گرفته و با حذف او سعی در تداوم حضور خودشان در صحنه قدرت سیاسی آمریکا داشته‌اند.

از طرف دیگر، برخی نیز به این نکته اشاره کرده‌اند که با توجه به سابقه بازی‌های تبلیغاتی ترامپ و تیم انتخاباتی‌اش، هیچ بعید نیست که ترور نافرجام اخیر ترامپ نیز کار خود آن‌ها باشد. تاآز این رهگذر، شانس خودشان را برای پیروزی در انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا به واسطه جلب توجه گسترده افکار عمومی آمریکا افزایش دهند. با این همه، به تازگی شاهد طرح یک تئوری تازه در مورد ترور نافرجام ترامپ از طریق شبکه سی ان ان بوده ایم. این شبکه مطرح آمریکایی مدعی شده که ایران در پشت پرده ترور نافرجام ترامپ قرار داشته است!

ادعای این شبکه نیز این است که از مدت‌ها قبل دستگاه‌های امنیتی آمریکا نسبت به تلاش برای ترور ترامپ از سوی عوامل و نیروهای وابسته به ایران، به رئیس جمهور سابق آمریکا و تیم حفاظتی وی هشدار داده بودند. با این حال، بی توجهی به این هشدارها نزدیک بوده که کار دست ترامپ بدهد. به ادعای سی ان ان، تیم حفاظتی و انتخاباتی ترامپ بیش از همه این احتمال را می دادند که در جریان کنگره حزب جمهوریخواه که با هدف معرفی نامزد نهایی جمهوریخواهان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۴ آمریکا برگزار می شود، یک تهدید امنیتی بزرگ علیه ترامپ از سوی ایران مطرح شود.

در این راستا، آن ها هیچ تدبیری را برای مقابله با آنچه اخیرا در جریان سخنرانی ترامپ در پنسیلوانیا روی داد، نداشته اند با این همه، این سناریوسازی شبکه سی ان ان علیه ایران از دو منظر کاملا رد شده است.

اولا، نتایج تظرسنجی های مختلف در آمریکا در مدت اخیر به عینه نشان داده اند که تاکیدهای داخلی برای ترور ترامپ به شدت زیاد است به عنوان مثال، بر اساس نتیجه نظرسنجی که اخیرا دانشگاه شیکاگوی آمریکا انجام داده، بیش از ۲۶ میلیون بزرگسال آمریکایی قویا از اعمال خشونت علیه ترامپ یا هدف حذف او از رقابت های انتخاباتی حمایت کرده اند و آن را مفید دانسته اند.

از این تعداد، ۳۰ درصد خود اسلحه داشته اند این بدان معناست که هم تاکیدها و هم ابزار عملیاتی کردن تاکید، در دست شمار قابل ملاحظه ای از شهروندان آمریکایی بوده که از ترامپ خوششان نمی آید. معادله ای که در نوع خود از سطح بالای شکاف ها و قطبی گرایی سیاسی و اجتماعی در آمریکا حکایت دارد. موضوعی که حتی این کشور را به زعم بسیاری از تحلیلگران، در آستانه یک جنگ داخلی فراگیر قرار داده است.

دوم اینکه نه دولت مستقر در آمریکا و نه دستگاه های امنیتی این کشور هیچکدام دست داشتن ایران در ماجرای ترور نافرجام ترامپ را تایید نکرده اند به بیان ساده تر، آنچه توسط سی ان ان مطرح شده صرفا یک ادعای رسانه‌ای عاری از اسناد و شواهد عینی است و به نظر می رسد به دنبال جلب توجه و جنجال سازی است موضوعی که البته سی ان ان در مورد مشابه دیگری نیز نشان داده در مهندسی آن استاد است.

در این رابطه به طور خاص می توان به فاجعه کشتگری محوری این شبکه در طرح این ایده که دولت سابق عراق (رژیم صدام حسین) در حال ساخت تسلیحات کشتار جمعی است و آمریکا باید به این کشور حمله کند مشاهده کرد. ادعایی که پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، دروغ بودن آن فاش شد و خود به یک رسوایی بزرگ برای شبکه سی ان ان تبدیل شد. رسوایی، مانند رسوایی چوپان دروغگو!

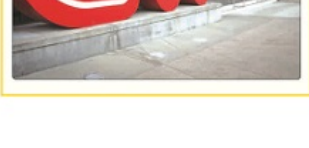

آیا بیماری تب دنگی کشنده است؟

بیماری تب دنگی

گزش پشه آئدس

میزان مرگ و میر ۲/۵ درصد

موارد انتقال

آبهای راکد — زباله و فاضلاب — انتقال خون

صدت زمان انتقال ۴ تا ۱۰ روز بعد از گزش پشه

علائم

تب شدید — خونریزی از لثه و بینی — سردرد

دردهای شدید عضلانی و مفصلی — درد در پشت چشم — جوش و حساسیت پوستی

راه‌های پیشگیری

پرهیز از بیرون رفتن در صبح و غروب — استراحت کافی

پوشیدن لباس‌های رنگ روشن و بلند — مصرف مکمل‌های غذایی و ویتامین‌ها

استفاده از فرآورده‌های دافع حشرات — مصرف فراوان مایعات

راه‌های درمان

ISNA